

## جایگاه دلیل نقلی و شهود در نظام حکمت متعالیه و نقد و بررسی دیدگاه‌ها

حسن رضایی<sup>۱</sup>

### چکیده

در سراسر آثار فلسفی و غیرفلسفی ملاصدرا، انواع و اقسام گزاره‌ها وجود دارد. گزاره‌های عقلی از انواع و اقسامش، گزاره‌های علمی، گزاره‌های نقلی و گزاره‌های شهودی. در این میان، ملاصدرا از قضایای نقلی و شهودی فراوان بهره برده است. این امر و سابقه نداشتن چنین روالی در بین فلاسفه - و به‌ویژه در متون فلسفی، سبب ایجاد اختلاف نظر بر سر تعیین جایگاه این دو منبع معرفتی در نظام حکمت متعالیه و نیز نقش آنها در این نظام، بر فرض فلسفی و نظام‌مند بودن آن میان اندیشمندان اسلامی و صدراپژوهان شده است. در یک بررسی، دست کم نه نظریه در این باره ارائه شده است که گرچه برخی از آنها مانند دیدگاهی که روش فلسفی ملاصدرا را تلفیق اندیشه‌ها و ایجاد سامان نوین فلسفی برای هماهنگی بیشتر با آموزه‌های دینی معرفی می‌کند تا حدودی می‌تواند مورد قبول واقع شود، ولی هرکدام از جهاتی نقص دارد و با ایرادهایی روبه‌روست. دیدگاه مختار این نوشتار آن است که صدرالمآلهین از گزاره‌های نقلی قطعی و شهود معصوم<sup>۲</sup>، به عنوان حد وسط یکی از مبادی برهان فلسفی و از جمله مبادی یقینی بهره برده است.

واژگان کلیدی: دلیل نقلی، دلیل عقلی، شهود، وحی، حکمت متعالیه، برهان.

## بازخوانی نظریه ملاصدرا درباره تأثیر مزاج، خلقیات و کیفیات نفسانی بر فاعلیت نفس

راحله درزی<sup>۱</sup>، حمیدرضا آیت‌اللهی<sup>۲</sup>، محمد سعیدی‌مهر<sup>۳</sup>

### چکیده

ملاصدرا نفس انسان را مصداق همه انواع فاعلی می‌داند؛ اما به عوامل مؤثر بر فاعلیت نفس اشاره نکرده است. نفس در ظهور این فاعلیت‌ها تحت تأثیر عواملی از جمله مزاج، خلقیات و کیفیات نفسانی است. مزاج امری میان با نفس است و کیفیات نفسانی، از جمله علم و اراده و قدرت، همان مبادی افعال هستند و خلقیات هم همان کیفیات نفسانی راسخ و ثابت‌شده در نفس به شمار می‌آیند. هریک از این عوامل بر هر کدام از انواع فاعلی تأثیر خاصی دارد. بررسی چگونگی تأثیر و تأثر این عوامل بر فاعلیت نفس و اینکه آیا نفس هم بر این عوامل تأثیری دارد و اینکه آیا انسان می‌تواند به طور ارادی این تأثیرات را بر نفس خود کنترل کند و از این کار چه فوایدی عایدش می‌شود، در این مقاله روشن خواهد شد. بررسی این عوامل راهکارهای مفیدی در امر تعلیم و تربیت نفس در پیش روی انسان باز می‌کند.

**واژگان کلیدی:** مزاج، خلقیات، کیفیات نفسانی، فاعلیت نفس، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

۱. دانشجو دکتری فلسفه دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول) r.darzi14@gmail.com

۲. استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی h.ayat@inhcs.ac.ir

۳. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس saeedi@modares.ac.ir

## اثبات غیروجدی بودن برهان محقق اصفهانی و ارزیابی ادله وجودی بودن آن

روح‌الله فروغی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مشهورترین براهینی که بر وجود خداوند اقامه شده، برهان مرحوم شیخ محمدحسین غروی اصفهانی است. این برهان مورد توجه صاحب‌نظران پس از ایشان قرار گرفته و درباره آن گفت‌وگو شده است. برخی آن را براهانی تام شمرده و در اثبات وجود خداوند موفق دانسته‌اند و برخی دیگر با نقد آن، برهان مذکور را در اثبات وجود خداوند ناتمام شمرده و به نقد آن پرداخته‌اند. در این برهان با استفاده از طبیعت واجب‌الوجود، وجود خداوند اثبات شده است و این مسئله سبب اختلاف درباره مفهوم‌محور بودن یا نبودن این برهان گردیده است. برخی این برهان را مصداق برهان وجودی یا مفهوم‌محور دانسته‌اند که از راه مفهوم واجب‌الوجود، به اثبات مصداق آن می‌پردازد و برخی صاحب‌نظران دیگر، آن را براهانی وجودی ندانسته، نقش محوری مفهوم را در این برهان انکار می‌کنند و برهان ایشان را براهانی وجودی نمی‌دانند، بلکه بر این عقیده‌اند که ایشان از طبیعت واجب‌الوجود کمک گرفته که اقتضای چنین طبیعتی وجوب وجود است. صاحبان هر دو دیدگاه تقریر خود را از برهان محقق اصفهانی ارائه می‌کنند و با تمسک به عبارات ایشان، درصد ترجیح تفسیر خویش هستند. در این نوشتار سعی شده تقریرهای مختلف برهان محقق اصفهانی و ادله هر یک از طرفین بر وجودی یا ناوجودی بودن برهان مذکور، نقل و ارزیابی گردد که حاصل آن، ناتمامی ادله وجودی بودن برهان محقق اصفهانی و اثبات غیروجدی بودن این برهان است. در پایان به اشکالات تقریر غیروجدی بودن برهان مذکور در کتاب براهین صدیقین پاسخ داده شده است؛ بنابراین، می‌توان این برهان را یکی از موفق‌ترین براهین بر اثبات خداوند دانست.

**واژگان کلیدی:** مفهوم وجود، برهان وجودی، حقیقت واجب‌الوجود، محکی بالذات، برهان صدیقین.

## تحلیل و ارزیابی قاعده الواحد در حکمت متعالیه

احمد حیدر پور<sup>۱</sup>، غلامرضا فیاضی<sup>۲</sup>

### چکیده

مسئله ناسازگاری ابتدایی لازمه قاعده «الواحد»، یعنی وحدت معلول واجب تعالی با ظاهر متون دینی که همه موجودات را مخلوق خداوند متعال معرفی می‌کند، فیلسوفان اسلامی را برآن داشت تا برای حل این مشکل، نظریه وساطت عقول عشره را در خلق مطرح کنند. اما باطل شدن هیئت بطلمیوسی، یعنی مبنای اثبات ده‌گانه بودن عقول در قرون بعدی از یک سو و عدم ارائه توجیهی متقن برای چگونگی راه یافتن کثرت به عقل اول از سوی فیلسوفان از سوی دیگر، صحت این نظریه را با تردید مواجه می‌کند. به همین دلیل به نظر می‌رسد صدرالمتألهین در نظر نهایی خود برای توجیه صدور کثیر از واجب تعالی، قاعده دیگری مطرح می‌کند که کاملاً با جریان قاعده «الواحد» در افعال واجب تعالی مخالف است. به راحتی می‌توان حدس زد جز آنچه گذشت، دو امر دلیل انصراف او از جریان قاعده «الواحد» درباره واجب تعالی بوده است: نخست دلالت قوی متون دینی بر تأثیر بی‌واسطه واجب تعالی در عالم، و دوم عدم تمامیت دلایل جریان این قاعده در واجب تعالی. ویژگی این نوشتار جز ارائه نظریه نهایی صدرالمتألهین در این مسئله، نگاه انتقادی به دلایل این قاعده و تنظیم صورت منطقی دلایل است.

**واژگان کلیدی:** قاعده الواحد، فاعل قریب، خلق با واسطه، اصل سنخیت، صدور.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱ (نویسنده مسئول)

aheydar6013@gmail.com

aheydar209@gmail.com

۲. استاد و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱

## برونرفت حکمت متعالیه از چالش تبیین فلسفی احیای موتی

معصومه سالک<sup>۱</sup>

### چکیده

از دیدگاه حکمت متعالیه، تناسخ به معنای انتقال روح به بدن دیگر، محال است. از طرفی، به نظر می‌رسد در احیای موتی نوعی انتقال روح به بدن مادی مطرح باشد. این احتمال در ابدانی که قبلاً متلاشی شده و استخوان‌های آنها نیز پوسیده است، با قوت بیشتری مطرح است؛ زیرا بدن بازسازی شده در حیات دوباره این افراد، متفاوت از بدن حیات قبلی آنهاست و با تعلق گرفتن روح به این ابدان، ظاهراً تعریف خاص ملاصدرا از تناسخ، مصداق خارجی می‌یابد. این امر در فضای حکمت متعالیه که مؤکداً بر ابطال تناسخ پافشاری می‌شود، موقعیت مطلوبی ندارد؛ به خصوص که ملاصدرا برای ابطال تناسخ از مبانی فلسفی و علم‌النفسی خود بهره می‌برد و با تبیین خاص خود از رابطه نفس و بدن، راه را بر امکان تناسخ می‌بندد. در صورتی که تناسخ با تعریف یادشده حتی در یک مورد مصداق عینی یابد، مبانی حکمت متعالیه در بحث تناسخ با چالش جدی مواجه می‌شود. تحقیق حاضر با این پیش‌فرض که شخصیتی مانند ملاصدرا به اشکال اطلاق تناسخ بر احیای موتی توجه داشته است، می‌کوشد با طرح احتمالات مختلف، تبیینی منطبق با دیدگاه صدرایی از فرایند یادشده ارائه دهد. حیث فاعلی نفس و مشارکت نفس در جمع‌آوری و ایجاد اجزای بدن می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای بحث احیای موتی مطرح باشد؛ این تبیین با برخی مبانی و دیدگاه‌های ملاصدرا، به‌ویژه اصالت وجود، وحدت جمعی نفس و نقش ایجاد نفس در بحث معاد جسمانی پشتیبانی می‌شود.

**واژگان کلیدی:** احیای موتی، زنده شدن مردگان، ملاصدرا، رجعت، تناسخ.

## سنجش شناخت در محتوای موسیقی در نظام معرفت‌شناسی حکمت متعالیه

حسین شایسته<sup>۱</sup>، عبدالحسین خسروپناه<sup>۲</sup>

### چکیده

محتوای موسیقی از آن جهت که صرفاً بیانگر عواطف و احساسات انسانی است، چیزی بیش از یک احساس عاطفی در نفس مخاطب به وجود نمی‌آورد. بنابراین، واقعیتی که موسیقی ما را با آن مواجه می‌کند، همان انفعال عاطفی است؛ نه چیزی بیش و نه چیزی کمتر. از آنجاکه این قسم مُدَرکات، در شمار مُدَرکات حضوری نفس انسانی است، متصف به کذب نمی‌شود؛ اما از آنجاکه بر مبنای هستی‌شناختی حکمت متعالیه، تشکیک مراتب بر همه مراتب وجود حکم‌فرماست، می‌توان به تناسب تکامل‌یافتگی هر نفس، محتوای موسیقی منبعث از آن نفس را، متصف به وصف «عالی» و «دانی» دانست. از این‌رو، هرچه میزان اتصاف نفس به اوصاف امکانی و حدود ماهوی کمتر باشد، انفعالات ایجادشده در آن نیز عالی‌تر خواهد بود. این مقاله درصدد است که «ملاک شناخت» و «معیار شناخت» را در محتوای موسیقی بر مبنای معرفت‌شناختی حکمت متعالیه مورد بررسی و تفصیل قرار دهد.

**واژگان کلیدی:** محتوای موسیقی، معرفت‌شناختی حکمت متعالیه، ملاک شناخت، معیار شناخت.

shsezavar@yahoo.com

khosropanahdezfuli@gmail

۱. دکتری مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

## مبانی و مراحل عینیت صفات با ذات الهی در دیدگاه صدرالمتألهین و تطبیق آن با روایات

مهدی منصوری<sup>۱</sup>

### چکیده

در ارتباط صفات با ذات الهی، دیدگاه‌های گوناگونی از سوی مسلمانان مطرح شده است؛ از جمله آنها، نظریه‌ای است موسوم به عینیت صفات با ذات الهی که برگرفته از روایات اهل بیت است. در بیان عینیت صفات با ذات الهی، نظریات مختلفی وجود دارد که به نظر می‌رسد آنچه صدرالمتألهین - در مجموع کتب خود با توجه به مبانی فلسفی موجود در حکمت متعالیه - به آن رسیده است، بهترین دیدگاه در میان دیدگاه‌هاست. صدرالمتألهین در تبیین مبانی نظریه عینیت صفات با ذات، بعضی از مبانی را که موجب این تبیین شده است، اصلاً مطرح نکرده است و به بعضی از مبانی به طور جسته و گریخته ذیل مباحثی دیگر و گاهی ذیل مبحث عینیت اشاره کرده است و در تبیین معنای عینیت هم به طور منظم، مراحل معنایی با توجه به مبانی مورد بحث قرار نگرفته است. از این رو، در این مقاله به دنبال این هستیم که تبیین صدرالمتألهین را در عینیت صفات با ذات الهی، سازوار روشن سازیم. بر این اساس، ابتدا مبانی ملاصدرا را که به چنین دیدگاهی در این زمینه انجامیده است، مطرح می‌کنیم و سپس به مراحل معنایی عینیت صفات با ذات الهی می‌پردازیم که عبارت‌اند از: تغایر مفهومی صفات با یکدیگر و با ذات، یکی بودن مصداق صفات و ذات، اندماجی بودن صفات، تساوق در حیثیت صدق، و صفات متناسب با ذات حق، و در خلال بیان مراحل معنایی، در اثبات مطابقت چنین تفسیری با روایات معصومان، به تطبیق با روایات می‌پردازیم.

**واژگان کلیدی:** صفات، ذات الهی، عینیت، اندماجی، تساوق، تغایر مفهومی، وحدت مصداقی.

## ماهیت و مؤلفه‌های اخلاق عرفانی

محمدجواد رودگر<sup>۱</sup>

### چکیده

اخلاق عرفانی، اخلاقی است که با رویکردی سلوکی - عرفانی شکل و شاکله یافته و در طول قرون متمادی به وسیله عارفان تحقق پیدا کرده و ترویج شده است. اخلاق عرفانی بر سیر و سلوک و کشف و شهود مبتنا یافته که اخلاق قبل از وصول، حین وصول و بعد از وصول را با مراتب وجودی از تخلیه تا فنای شهودی دربرمی‌گیرد. این اخلاقی است که به مقیاس گسترده‌ای از کتاب و سنت بهره جسته است. پرسش اصلی نوشتار حاضر عبارت است از اینکه: ماهیت و مؤلفه‌های اخلاق عرفانی چیست؟ فرضیه‌ای که درصدد اثبات آن برآمدیم این است که: اخلاق عرفانی دارای ماهیتی سلوکی - شهودی است که بر اساس منظومه و مدلی برساخته از مبانی هستی‌شناختی، روش‌شناختی، انسان‌شناختی و غایت‌شناختی کاملاً عرفانی تحقق‌پذیر می‌باشد. اخلاق عرفانی، اخلاقی است که از هندسه معرفتی - معنوی باطنی برخوردار بوده و دارای مؤلفه‌هایی چون توحیدی، حبی، شدن و شهود، اجتماعی - سیاسی بودن است. آنچه مکتوب پیش رو با روش نقلی - عقلی و عرفانی (روش ترکیبی) عهده‌دار آن است، پاسخ به پرسش یادشده در قالب مقدمه و آن‌گاه تبیین ماهیت و مؤلفه‌های برشمرده شده می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** اخلاق، عرفان، اخلاق عرفانی، توحید، عشق، شهود، جامعه، ماهیت و مؤلفه.